

ترتولیان

۱۵۵ - ۲۴۰ میلادی، زادگاه: کارتاژ آفریقا

کوبنتوس سپتیموس فلورنس ترتولیانوس در حدود سال ۱۶۰ میلادی در کارتاژ (تونس فعلی) در یک خانواده رومی غیر مسیحی چشم به جهان گشود. او در زمینه علم معانی بیان و حقوق به تحصیل پرداخت. احتمالاً او مدتی را هم در روم زندگی کرده و به عنوان حقوقدان مشغول به کار بوده است. وی در حدود سال ۱۹۷ میلادی مسیحی شد. پس از آن بقیه عمر خود را صرف نگارش آثار متعددی در دفاع از ایمان مسیحی کرد. ابتدا وی از کلیسای کاتولیک رومی حمایت می کرد، اما در حدود سال ۲۰۷ میلادی از رهبران کلیسا سرخورده شده و به نفع نهضت مونتانیسم لب به سخن گشود. در مونتانیسم یا آنگونه که پیروان این نهضت آن را می خواندند، «نبوت نوین» در ۱۷۰ میلادی؛ یعنی زمانی که مونتانوس و دو زن دیگر در فریجیه (ترکیه فعلی) شروع به نبوت کردند، شکل گرفت. آنان تعلیم می دادند که پایان جهان به زودی فرا خواهد رسید و با توجه به این امر، بر زهد و ریاضت بیشتر تأکید می کردند؛ در نتیجه از ازدواج خودداری کرده روزه هایی طولانی نگاه می داشتند و از شهادت نمیگریختند (در تقابل با متی ۲۳: ۱۰)، در ابتدا رهبران کلیسای کاتولیک دقیقاً نمی دانستند که با این نهفت چگونه برخورد کنند ایرنائوس به کلیسای روم پیشنهاد کرد که قبل از بررسی کافی، این نهضت را محکوم نکنند. اما در نهایت، طریق این نهضت از کلیسای کاتولیک کاملاً متمایز شد، و بدعت فریجیه

عنوانی که به این نهضت داده شد، رد و محکوم گشت. : به جز برخی احادیث، شواهدی تاریخی که نشان دهد ترتولیان کلیسای کاتولیک رومی را ترک کرد و گروه جدیدی تأسیس کرد یا به گروه جدیدی پیوست، وجود ندارد. اما او به انتقاد جدی از رهبران کلیسای کاتولیک رومی و دفاع از مونتانیسم پرداخت. او در سال ۲۲۰ میلادی چشم از جهان فرو بست.

ترتولیان، نخستین شخصیت مسیحی مهمی است که به زبان لاتین می نوشت. او پدر الاهیات لاتینی غربی است. وی به همراه اوریجن، بزرگترین نویسندگان قرون دوم و سوم مسیحی هستند. در واقع، او یکی از بزرگترین نویسندگان زبان لاتین بوده است و غیر مسیحیان نیز آثارش را برای لذت بردن از سبک نگارش او مطالعه می کردند. یک نویسنده قرن پنجم در مورد آثار ترتولیان می نویسد: «تقریباً هر واژه ای که او به کار می برد نوعی هجو و هر جمله او در حکم به خاک رساندن پشت مخالفین است.» یا یک نویسنده معاصر در مورد او می گوید:

(ترتولیان صاحب قابلیت است که در میان متألّهین به ندرت می توان آن را مشاهده کرد؛ او نمی تواند کندذهن و میانمایه باشد!)

ترتولیان همواره چون یک وکیل می نویسد؛ بدین معنی که از موضع خود دفاع کرد همه رقیبان را مورد حمله قرار می دهد. وی این کار را با استفاده از همه مهارت های فن معانی بیان که بر آنها تسلط دارد، انجام می دهد. او را مدافعه گری توصیف می کنند که هرگز دفاع نمی کند هدف وی نابودی کامل مواضع مخالفانش است. او در پی این است تا نشان دهد که مخالفانش کاملاً در اشتباه هستند و از نظر اخلاقی غیر قابل اعتمادند. برخورد ترتولیان انتقام جویانه و غیر صادقانه نیست. او به حقانیت دیدگاه خود کاملاً اعتقاد دارد و صادقانه در پی این است تا به بهترین شکلی که می تواند دیدگاه خود را به اثبات برساند. . .

او بیش از سی اثر به نگارش در آورده است که این آثار را به سه گروه عمده می توان تقسیم کرد

۱ (آثار دفاعیاتی .. معروف ترین اثر در میان این گروه از آثار وی دفاعیات نام دارد. ترتولیان کار مدافعه گران قرن دوم، چون ژوستین را ادامه داد، اما آثار وی نسبت به آنان دارای صلابت و عمق بیشتری است. او در برابر عمل ناعادلانه محکوم کردن ایمانداران مسیحی به مرگ، به دلیل مسیحی بودنشان، همه مهارت خود را در زمینه حقوق به کار می گیرد.

(مدت زمان زیادی نیست که ما مسیحیان قدم به عرصه وجود گذاشته ایم، با وجود این، ما را در همه جا می توان دید: در شهرها، جزایر، قلعه ها، بازارها، پادگان های . نظامی، قبایل مختلف، قصر امپراتور، سنا، و میدان نمایش، هیچ مکانی نیست که ما آن را برای شما باقی گذاشته باشیم، به جز پرستشگاه خدایانتان.) .

ترتولیان، دفاعیات ۳۷

(عنوان جماعت توطئه چین شایسته مسیحیان نیست، بلکه شایسته کسانی است که مزورانه نقشه کشتار انسانهای نیک سیرت و بافضیلت را طرح میکنند و خون بی گناهان را بر زمین می ریزند. خصومت این جماعت با مسیحیان بر این دلیل بی پایه استوار است که مسیحیان علت هر بلیه عظیم و هر مصیبتی هستند که بر مردم نازل می شود. اگر رودخانه تیبر طغیان میکند و شهر روم را مورد تهدید قرار میدهد، یا آب رود نیل آنقدر کاهش می یابد که مزارع به خوبی آبیاری نمی شوند، اگر آسمان ها بی حرکت باقی می ماند و زمین بر اثر زلزله تکان میخورد، اگر

خشکسالی یا طاعون نازل میشود، این فریاد طنین می افکند: (مسیحیان را به کام شیر بفرستید.) چي! انبوعی از آنان در کام یک شیر؟)

۴۰

دفاعیان

ترتولیان،

آثار مربوط به اصول اعتقادات او آثاری که در مخالفت با بدعت ها نگاشته شده است. ترتولیان در کنار ایرنیوس " بزرگ ترین مخالفان گنوستیسیسم محسوب می شوند. او مجموعه مقالاتی علیه آنان به نگارش درآورده است که از معروف ترین آنها درک بدعتکاران نام دارد. او از همان استدلال هایی سود می جوید که ایرنیوس از آنها سود جسته، اما وی این استدلال ها را بسط داده و نتایج دیگری نیز از آنها می گیرد. برای مثال، روش او در این استدلال که بدعتکاران حق ندارند حتی از کتاب مقدس مورد اعتقاد کلیسا استفاده کنند، دیده می شود. با این همه، این استدلال باعث نشد تا او در سالهای آخر زندگی اش دیدگاهی شدیداً انتقادی علیه کلیسای کاتولیک پیدا نکند. حجیم ترین اثر ترتولیان، اثر پنج جلدی او تحت عنوان علیه مارسیون است. مارسیون " بزرگترین بدعتکار قرن دوم میلادی بود. او معرف شاخه خاصی از گنوستیسیسم بود که برخی از تعالیم پولس رسول را نیز به عاریت گرفته بود. ترتولیان نسبت به فلسفه یونان دیدگاهی عمیقاً انتقادی داشت و آن را منشأ هر بدعتی میدانست او بر ماهیت متناقض نمای ایمان مسیحی و تضاد بین مسیحیت و فلسفه تاکید میکرد. فضای فکری حاکم بر آثار ترتولیان، از فضای فکری حاکم بر آثار ژوستین و مدافعه گران قبلی کاملاً متفاوت است؛ اما تفکر ترتولیان نباید مورد سوء تعبیر و کج نهم قرار گیرند و چون دیگر مدافعه گران مسیحی، عناصری از فلسفه یونان را به کار گرفته که با مسیحیت همخوانی داشت. میزان تأثیر پذیری او از فلسفه و به طور خاص از روای گری بیشتر از آن حدی است که وی تصور میکرد.

ترتولیان همچنین علیه مونارشیانیسم نیز مطالبی را به نگارش در آورده است، مونارشیان ها بر تک سالاری خدا تأکید می کردند. آنان آموزه تثلیث را به این شکل نادرست تعبیر می کردند که پدر و پسر و روح القدس یکی هستند؛ به همان معنایی که من همزمان پدر فرزندان خود، شوهر زنم، و نویسنده این کتاب هستم، اما با داشتن هر سه نقش در واقع، یک شخص هستم. از نظر آنان پدر و پسر و روح القدس، سه عنوان متفاوت برای یک وجود هستند و این سه عنوان بیانگر سه عملکرد متفاوت این وجود است. از نظر آنان این سه عنوان بیانگر سه وجود متمایز نبود. ترتولیان در اثر مهم خود علیه پرانسه اس به پاسخگویی به آنان می پردازد. پراکسی آس ۴ یک مونارشیان بود که با مونتانیسم به مخالفت برخاسته بود. همان گونه که ترتولیان می نویسد: «از مجموعه اعمالی که ابلیس در روم انجام می دهد، وظیفه انجام دادن دو عمل او به پرا کسه آس سپرده شده است. او با نبوت مخالفت می کند و بدعت را بر جای آن می نشاند (بارد کردن نبوتهای مونتانیسم و روح القدس را به کناری می

گذارد و خدای پدر را مصلوب میکند. (با گفتن این نکته که پسر، همان پدر بود.) ترتولیان در پاسخ به پراکسه آس، بیان می‌دارد که خدا وجودی با یک جوهر و سه شخصیت است. واژه‌هایی که او برای تعریف و تبیین آموزه‌های تثلیث و تجسم به کار گرفت، در الاهیات مسیحی عمیقاً جا افتادند و بعدها نیز در مباحثه‌های مربوط به این موضوع به کار گرفته شدند. آثار وی در این زمینه گام‌های مهمی در جهت درک بهتر این آموزه‌ها بودند، اگرچه با توجه به معیارهای واست دینی مسیحی در قرون بعدی، این آثار کاملاً عاری از عیب نیز تلقی نمی‌شوند.

۳ (آثار علمی. ترتولیان آثار بسیاری را در زمینه مسائل اخلاقی علمی، بخصوص در زمینه انضباط کلیسایی، به نگارش درآورده است. این آثار به دو گروه تقسیم می‌شود: آثار ابتدایی که مربوط به دورانی است که وی هنوز در چارچوب کلیسای کاتولیک قرار داشت و آثار متأخرتر که وی به مونتانیسم گرویده بود. به هر حال، بین آثار هر دو دوره، پیوستگی و استمرار بنیانی دیده می‌شود. در مجموع، ترتولیان صاحب یک موضع اخلاقی سفت و سخت و سازش‌ناپذیر است. آنچه در مونتانیسم برای وی جذابیت داشت، نه عطایای تبنونی این نهضت و نه تأکید آن در مورد پایان جهان، بلکه اصول اخلاقی مستحکم آن بود. ترتولیان در آثار ابتدایی تر خود در زمینه مسائل اخلاقی، در مورد گناهانی جدی که پس از تعمید انجام می‌شود؛ فرصت یک توبه دوم را نیز در نظر می‌گیرد. اما او در اثر دیگری به نام خضوع که مربوط به دوران نگرش مونتانیستی وی است، در تقابل با دیدگاهی که توسط اسقف الاهی کارتاز بیان شده بود، موضع سخت‌تری را اتخاذ می‌کند. از نظر ترتولیان انضباط اخلاقی در برابر بخشش، از اولویت بیشتری برخوردار است. یکی از عالمان الاهی معاصر، او را منمهم می‌سازد که «از نظر الاهیاتی، او تقریباً یک یهودی است.

خضوع و فروتنی مسیحی از بنیان به لرزه درآمده است... من شنیده‌ام که حتی حکمی صادر شده، آن هم حکمی که قطعی و نهایی است. کاهن اعظم، استن اسقف‌ها (احتمالاً اسقف کارتاز) چنین حکمی را صادر کرده است: «من همه کسانی را که اصول مربوط به توبه را زیر پا گذاشته‌اند، عفو می‌کنم و زنا و بی‌عفتی‌های انجام شده از سوی آنان را می‌بخشم.» آه، چگونه می‌توان صدور این حکم را عملی صحیح دانست و اعطای چنین آزادی، ما را به کجا رهنمون خواهد ساخت؟ من فکر می‌کنم صدور این حکم ما را در آستانه تسلیم شدن به امیال و شهوات قرار می‌دهد. توبه و بخشیده شدن با توجه به این چشم‌انداز تنها در حالتی مشخص می‌شود که گناه، خود عملاً صورت می‌پذیرد. در چنین حالتی می‌توان عفو و آمرزشی این چنینی را اعلان کرد؛ یعنی، در حالتی که اشخاص به امید دریافت این آمرزش مرتکب گناه می‌شوند.

ترتولیان، خضوع ۱

از آنجا که آنان بدعتکارند، نمی توانند مسیحیانی واقعی باشند... چون آنان مسیحی نیستند، بنابراین، حتی در مورد کتاب مقدس مسیحیان ندارند. ما می توانیم از آنان بپرسیم: شما که هستید؟ از چه زمانی و از کجا به میان ما آمده اید؟ از آنجا که شما از خاصان من نیستید، در قلمرو و منزلگاه من چه می کنید؟ ماریون! تو چه حقی داری چوب مرا ببری؟ والتینوس! با اجازه چه کسی جریان آبی را که از چشمه من جاری می شود منحرف می سازی؟ آپلس!؟ با چه قدرتی نشان های افتخار مرا میربایی؟ اینها مایملک من هستند. من وارث رسولان هستم.

۳۷

بدعتکاران

باب

در

تیتوس فلاویوس کلمنت (کلمنت اسکندریه)

۱۵۰ - ۲۱۵ میلادی، زادگاه: آتن ،

محل فوت: کاپادوکیه

دسامبر

۵

یادبود،

روز

تیتوس فلاویوس کلمنس در اواسط قرن دوم میلادی در خانواده ای یونانی و غیر مسیحی چشم به جهان گشود. او پس از ایمان آوردن، به مسافرت های زیادی رفت و در محضر بعضی از معلمان مسیحی به تلمذ پرداخت. او از ششمین و آخرین معلم خود بسیار راضی بود؛ یعنی از پانتائوس که یک مدرسه فلسفی مسیحی را در اسکندریه اداره می کرد. کلمنت نزد او ماند و بالاخره در سال ۱۹۰ میلادی اداره مدرسه فلسفی را بر عهده گرفت. او به هنگام جفایی که در سال ۲۰۲ و ۲۰۳ میلادی علیه مسیحیان آغاز شد، اسکندریه را ترک کرد و هرگز بدانجا بازنگشت. او در سال ۲۱۶ میلادی در آسیای صغیر درگذشت. و

مصر در قرن دوم مرکز مهم گنوستیسیسم بود. خاستگاه بسیاری از رهبران گنوستیک، مصر بود یا در مصر تعلیم می دادند. در مقایسه، پانتانوس نخستین نماینده راست دینی مسیحی در مصر بود که امروزه او را می شناسیم. از آنجا که گنوستیسیسم در مصر تهدیدی جدی تلقی می شد، به نظر می رسد که راست دینی در آنجا شکلی ساده اندیشانه و مبهم داشته و عاری از هرگونه روشنگری و اندیشه پردازی بود. این راست دینی به معنای ایمان صرف و خودداری از رویارویی با سؤالات اساسی بود. پانتانوس و پس از او کلمنت، در پی این بودند تا راست دینی را طوری معرفی کنند که از نظر عقلانی نیز کار آمد و بسنده باشد. آنان در پی این بودند که نشان دهند یک مسیحی بدون اینکه یک بدعتکار باشد، می تواند پرسش های فلسفی و عقلانی را مورد بررسی قرار دهد. کار کلمنت توسط جانشین برجسته تر او. اوريجن دنبال شده

از آثار کلمنت سه اثر مهم باقی مانده است که هر یک به سه مرحله مسیحی مربوط میشود

۱ (توصیه به یونانیان. یک اثر دفاعی است. این اثر از الگوی آثار مدافعه گران قرن دوم، چون ژوستین پیروی می کند، اما طرح پیچیده تری دارد.

۲ (قیم. شامل دستورالعمل هایی در زمینه تعلیم دادن به نوایمانان است. این کتاب راهنمایی برای رفتار ظاهری بوده، همچون مقدمه ای جهت آماده سازی فرد نوایمان برای دریافت آموزه های روحانی است. این کتاب از نوعی زهد یا زندگی ساده دفاع می کند که در بین دو طریق افراطی زندگی؛ یعنی زندگی تسلیم هوا و هوس و زندگی ریاضت کشانه که به کلی از دنیا چشم می پوشد، حد وسطی ارائه می دهد. .. : ۳) کیسه های نم‌دین (یا متفرقات). اثری پیچیده و عجیب است که در آن تعلیم روحانی کلمنت ارائه می شود. در حالی که برای تروتولیان * ایمان پاسخگوی همه نیازهای ماست، برای کلمنت ایمان فقط نخستین گام است و بنیانی که معرفت بر اساس آن به وجود می آید. کلمنت یک مسیحی آرمانی در پی معرفت را می نمایاند؛ یعنی شخصی روحانی را که در ورای ایمان خود به سوی کسب معرفت و دانش پیشرفت میکند. معرفت مورد نظر، معرفتی صرفاً فلسفی و آکادمیک نیست، بلکه در کی روحانی است که برای کسب آن باید از نظر اخلاقی پاک و منزّه بود و در مورد خدا به تعمق و ژرف اندیشی پرداخت... .

هدف کلمنت این بود که شکلی اندیشه مندانه و از نظر عقلانی بسنده و کارآمد را از راست دینی ارائه دهد. او چون ژوستین در فلسفه یونان * حقایقی را مشاهده می کرد. از نظر او، همانگونه که عهد عتیق یهودیان را برای پذیرفتن عیسی مسیح آماده ساخته بود، فلسفه نیز یونانیان را برای پذیرش او آماده کرده بود. هشدارهای پولس رسول علیه فلسفه (برای مثال در کولسیان ۸ : ۲) بد و کاذب بودند. کلمنت در حالی که از بدعت گنوستیکی فاصله گرفته بود، بسیاری از عناصر تفکر یونانی را پذیرفت؛ اما تعلیم او نشان می دهد که در مورد اجتناب از بدعتها، صرف داشتن انگیزه خوب، توجیه کننده نتیجه کار نیست. کلمنت در مخالفت با : دوستیسم (یعنی این دیدگاه که عیسی مسیح فقط به نظر می رسد یک انسان است) این

موضوع را تصدیق می کرد که او می خورد و می آشامید، ولی به این موضوع باور نداشت که مسیح نیازمند خوردن و آشامیدن باشد. کلمنت در مخالفت با این دیدگاه گنوستیکها که ازدواج را امری نادرست می دانستند، بر این موضوع تأکید می کرد که ازدواج عطیه ای از سوی خداست؛ اما به این موضوع باور نداشت که یک زوج مسیحی ایده آل می توانند با هم روابط جنسی داشته باشند. از نظر او روابط جنسی صرفاً باید به منظور بقای نسل و عاری از هرگونه میل و خواست انجام میشد.

کلمنت در برابر گنوستیسیسم در پی رسیدن به یک گزینه راست دینانه و ارتدوکسی بود، منتها در مورد میدان دادن به بعضی از افکار گنوستیکی بی تقصیر نبود. این نکته صحیح است که ایمان منجر به معرفت می شود؛ اما از نظر کلمنت، در نهایت، ایمان به معنای مسیحیت راست دینانه و معرفت به معنای تفکر یونان بود. یکی از ارکان بنیادین این الاهیات، مفهوم تأثر ناپذیری بود. تفکر یونانی، خدا را موجودی تأثر ناپذیر می دانست و خدا موجودی بود که ماورای همه عواطف و احساسات قرار داشت. این حالت برای یک فیلسوف به عنوان هدف و غایت مطرح بود و کلمنت نیز بر این باور بود. از نظر او یک مسیحی نیز که در پی معرفت است می تواند به چنین هدفی دست یابد. آرمان تأثر ناپذیری که مدت زمانی بس طولانی تأثیر بسیار عمیقی بر آرمانهای مسیحی بر جای گذاشت؛ با تعالیم کتاب مقدس بیگانه است. اما اشتباه کلمنت نباید باعث شود تا دستاورد او در مورد پیوند دادن پیشرفت روحانی و عقلانی کلیسا و مسیحیت راست دینانه، کمرنگ جلوه کند. در واقع، تا حد زیادی به واسطه تلاش های کلمنت و اشخاصی مشابه او بود که مسیحیت مصر در قرن چهارم به مسیحیتی عمیقا راست دینانه تبدیل شود.

قبل از ظهور خداوند، یونانیان برای رسیدن به عدالت به فلسفه نیاز داشتند و اکنون این فلسفه آنان را به سوی زهد و تقوا هدایت می کند. فلسفه نوعی تعلیم و تربیت ویژه برای آماده سازی کسانی است که توسط استدلال و اقامه برهان به ایمان دست می یابند؛ زیرا خدا سرچشمه همه چیزهای نیکوست. در مورد بعضی امور، چون عهد جدید و عهد عتیق، او مستقیما سرچشمه و منبع این امور عالی و نیک، و در مورد بعضی امور دیگر، چون فلسفه، او به شکل غیر مستقیم سرچشمه و منبع است. شاید فلسفه مستقیما از سوی خدا به یونانیان داده شده باشد تا زمانی که خداوند آنان را به سوی خود بخواند. در واقع، فلسفه چون معلمی بود که فکر یونانی را به سوی خود بخواند. در واقع، فلسفه چون معلمی بود که فکر یونانی را به سوی مسیح هدایت کرد، به همان شکلی که شریعت عهد عتیق این نقش را در مورد یهودیان ایفا کرد. بنابراین، فلسفه عاملی مهیاساز بود که راه را برای کسانی که باید توسط مسیح کامل می شدند، آماده ساخت

کیسه های نم‌دین ۵:۱

در این باب سفر پولس رسول به یونان هم میتونیم رفرنس بدیم که یونانیان از طریق فلسفه هم به دنبال خداوند بودند که در اعمال اومده معبدی رو به خدای نادیده تقدیم کرده بودند.